

تعاون و کشاورزی، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۸

توسعه اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی‌های کشاورزی بر اساس روش داده‌بنیاد

علیرضا جمشیدی^۱، صمد عالی^{۲*}، علیرضا بافنده زنده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۳

چکیده

این تحقیق به منظور بررسی توسعه اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی‌های کشاورزی انجام گرفت. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی - توسعه‌ای و از نظر روش تحقیق، از نوع آمیخته کیفی و کمی بود. در مرحله اول، از نظریه داده‌بنیاد برای ساخت مدل مفهومی به منظور تبیین توسعه اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی‌های کشاورزی استفاده شد. در بخش کیفی، خبرگان آشنا با موضوع توسعه اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاون و تعاونی‌های کشاورزی استان آذربایجان شرقی نمونه آماری پژوهش را تشکیل دادند. با توجه به کفایت نمونه‌گیری و اشباع نظری، ۱۵ نفر از این افراد به روش نمونه‌گیری هدفمند و روش گلوله‌برفی انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از فرایند سه مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده گردید. در بخش کمی پژوهش، جامعه آماری تحقیق شامل کلیه اعضای شرکت‌های تعاونی کشاورزی استان آذربایجان شرقی بودند که نمونه آماری بر اساس توصیه‌های استفاده از مدل‌های تأییدی برابر ۲۵۰ نفر تعیین شد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته بر اساس مدل پارادایم و مقوله‌های فرعی و مفاهیم مرحله کیفی پژوهش استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. نتایج بخش کمی پژوهش نشان داد که همه مدل‌های تأییدی به شکل مناسبی تدوین شده است.

واژه‌های کلیدی: تعاونی کشاورزی، اشتغال دانش‌بنیان، روش داده‌بنیاد

۱. دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲. استادیار گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

Samad.aali@iaut.ac.ir

* نویسنده مسئول

۳. دانشیار گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

مقدمه

با توجه به اینکه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه، پایین بودن میزان تولید و بهره‌وری در بخش کشاورزی، فقر روستایی و عقب ماندگی تاریخی روستاهاست و از سویی تعداد بسیاری از جمعیت جهان در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه از راه کشاورزی امرار معاش می‌کنند (سواری و همکاران، ۱۳۹۴)، در فرایند رشد و توسعه اقتصادی این‌گونه مناطق، اهمیت بخش کشاورزی بسیار چشمگیر می‌باشد. بر همین اساس، لزوم توجه به این بخش و انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم و متعدد در آن را می‌توان از عوامل اصلی توسعه روستایی برشمرد. در اقتصاد ایران، از سویی به دلیل رشد جمعیت جوان، کمبود اشتغال، ایجاد امنیت غذایی، وجود مزیت‌های بالقوه و بالفعل فراوان در بخش کشاورزی و نیاز دیگر بخش‌های اقتصادی به ستانده آن و از سوی دیگر، به دلیل ظرفیت قابل ملاحظه و افزایش محصولات بخش کشاورزی به لحاظ تنوع شرایط آب و هوایی و اقلیمی و در دسترس بودن زمین‌ها و مراتع حاصلخیز، توجه بیشتر به بخش کشاورزی الزامی است (شاه‌آبادی و بشیری منظم، ۱۳۹۰).

در دنیای امروز، همکاری و پیشرفت دو جزء جدایی‌ناپذیر برای آبادانی و بهبود وضعیت فعالیت‌های جامعه می‌باشد. در این باره، با توجه به پیشرفت‌های علمی در کشاورزی و فاصله گرفتن از کشاورزی سنتی و افزایش سطح سواد کشاورزان از یک سو و از سوی دیگر، نظر به افزایش روزافزون جمعیت کره زمین و نیاز هر یک از افراد به منابع بیشتر، بایستی اقدام به ایجاد گروه‌ها و تشکل‌هایی نمود که با همان منابع قبلی و با در نظر گرفتن مخاطره هر فعالیت، محصول بیشتر و باکیفیت‌تر تولید نمایند. در این راستا، تعاونی‌ها و از جمله تعاونی‌های کشاورزی، با رمز همکاری و تلاش، زمینه مطلوب را می‌توانند فراهم کنند (شهریاری مقدم و همکاران، ۱۳۹۷). از طرفی، با توجه به ناکارآمدی نظام خرده‌مالکی در ایجاد تحرک و پویایی در بخش کشاورزی، بخش تعاون و به خصوص تعاونی‌های کشاورزی، ابزار مناسبی برای بهبود وضعیت کشاورزی هستند (جباری و همکاران، ۱۳۹۰).

قانون اساسی ایران، که پس از انقلاب اسلامی تدوین شد، در اصول ۴۳ و ۴۴ به بخش تعاون پرداخته است. در اصل ۴۴، بخش تعاون به عنوان یکی از بخش‌های سه گانه اقتصاد کشور به رسمیت شناخته و در بند دوم اصل ۴۳، هدف بخش تعاون این گونه بیان شده است: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد. این اقدام با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت می‌گیرد. بر اساس این اصل، کارکرد تعاون ایجاد اشتغال برای کسانی است که مهارت لازم برای انجام کار و حرفه‌ای دارند، اما سرمایه کافی برای ایجاد اشتغال در اختیار ندارند» (شعبان‌پور، ۱۳۸۶).

با توجه به اینکه قرن ۲۱ با توافق جدید پایان دادن به فقر به عنوان هدف اصلی توسعه آغاز گردیده است، با شروع بحران اقتصادی بزرگ، بسیاری از کشورهای توسعه یافته افزایش نرخ بیکاری را تجربه کرده اند. در امریکا، بحران اقتصادی عمیق‌ترین رکود بازار کار در دوران پس از جنگ جهانی را پدید آورد (Elsby et al., 2010). بیکاری نیز در سراسر اروپا در همین دوره افزایش یافت (Arpaia and Curci, 2010). از طرفی، هم در کشورهای توسعه یافته و هم در حال توسعه، افزایش نابرابری درآمد و ثروت رخ داده است. مطالعات اخیر نشان می‌دهند در کشورهای پیشرفته از جمله ایالات متحده، انگلستان، ایتالیا، ژاپن، کانادا، آلمان، هلند و مکزیک، از سال ۲۰۰۸ به بعد روند نابرابری درآمد و ثروت رو به افزایش است (گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۱۹۹۶). به همین سبب، از دیدگاه سیاستمداران و برنامه‌ریزان، راهکار برون‌رفت از تنگنای ناشی از نبود فرصت‌های شغلی مطلوب، فراهم ساختن ساختارها و زمینه‌های مناسب برای کارآفرینی است.

در ایران، فعالیت‌های اقتصادی در سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی شکل گرفته و با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر تمرکززدایی و کاستن از بار سنگین مسئولیت‌های بخش دولتی و واگذاری امور و تعهدات این بخش به بخش‌های غیردولتی (تعاونی و خصوصی)، بخش‌های غیردولتی و از جمله بخش تعاون به عنوان بستری برای فعالیت کارآفرینان معرفی شده است (امامی و همکاران، ۱۳۹۷). تعاونی‌های کشاورزی در بازار توزیع منافع حاصل از رشد بخش کشاورزی، ایجاد اشتغال پویا و مولد، توسعه مشارکت مردمی در بخش کشاورزی، پایین آوردن ریسک سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، کاهش هزینه‌های دولتی در تولید و... نقش مؤثر و منحصر به فردی ایفا می‌کنند. تحقیقات انجام شده در خصوص تعاونی‌ها نشان می‌دهند بهره‌وری سرمایه در شرکت‌های تعاونی به مراتب بیشتر از بخش خدمات و خصوصی است (جباری و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که برای تعاونی‌ها و به خصوص تعاونی‌های کشاورزی قائل شده‌اند، کاستن از فقر و بهبود و ایجاد فرصت‌های شغلی است (Eid & Martínez-Carrasco, 2014). تعاونی‌ها در سراسر جهان با تکیه بر خط مشی خودیاری متقابل، به ابزاری طبیعی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی و تأمین منافع جوامع محلی و نظام‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند. اقتصاد اجتماعی متشکل از مؤسسات، تعاونی‌ها، تشکل‌های دوسویه و اتحادیه‌هایی است که فعالیت‌های آنها جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی دارد. با توجه به ماهیت شرکت‌های تعاونی می‌توان مدعی شد کلیه تعاونی‌ها اهداف اجتماعی و اقتصادی دارند؛ زیرا هر شرکت تعاونی با هدف تأمین نیازهای مشترک اعضای جامعه تشکیل می‌شود و این نیازها گاهی معطوف به مسکن یا خدمات بهداشتی است و گاهی اعضای تعاونی می‌خواهند از طریق آن به تولیدات، خدمات، اشتغال و درآمد مستمر دسترسی داشته باشند (فدایی و فال سلیمان، ۱۳۹۰).

با این تفاسیر، با عنایت به دانش محور شدن بیشتر امور، یکی از راه‌های توسعه اشتغال در بخش تعاونی‌های کشاورزی به نظر می‌رسد توجه به بحث دانش و اشتغال دانش‌بنیان باشد. توسعه

اقتصاد مبتنی بر دانش هم یک ضرورت و هم یک فرصت برای توسعه به شمار می‌رود (گزارش بانک توسعه آسیا^۵، ۲۰۱۴).

مسئله مهمی که در این تحقیق مطرح بوده این است که تا به حال به بحث اشتغال دانش بنیان در تعاونی‌های کشاورزی پرداخته نشده است. اشتغال دانش بنیان می‌تواند هم به اشتغال پایدار در بخش کشاورزی و هم به توسعه پایدار روستایی کمک کند و مانعی برای مهاجرت تلقی گردد. بر همین اساس، توجه و بررسی بحث اشتغال دانش بنیان در تعاونی‌های کشاورزی را می‌توان عامل مهمی در اقتصاد تلقی کرد که این تحقیق به دنبال این مهم بوده است.

مبانی نظری

اقتصاد دانش بنیان

اهمیت دانش در ایجاد ارزش، محرک بهره‌وری و ترویج رشد اقتصادی مدت‌های مدیدی است که شناخته شده است. علاوه بر این، به رسمیت شناختن نقش مرکزی دانش در اقتصادهای امروز، نتیجه توجه بیشتر به فناوری اطلاعات، یادگیری و سرعت پیشرفت فنی و علمی است که از آن نتیجه می‌شود (Carayannis et al., 2018). بر اساس توافق‌نامه لیسبون، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲، یک هدف استراتژیک برای دستیابی به موقعیت رقابتی پیشرفته در سراسر جهان به‌عنوان یک اقتصاد مبتنی بر دانش تعیین کرد (Soriano and Mulatero, 2010). اگرچه این امر تبدیل به یک هدف ملی برای بسیاری از کشورها شده است، وظایف، شاخص‌ها و رویکرد به‌کارگیری آن غالباً در ادبیات تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد. عملکرد نهایی یک اقتصاد مبتنی بر دانش، که توسط محققان پیشنهاد شده است، در بین شاخص‌های مختلف در نوسان است. تولید ثروت و رشد اقتصادی (Leydesdorff, 2006; Johansson, 2010)؛ دانش علمی و تولید نوآوری (Leydesdorff, 2006; Etzkowitz and Leydesdorff, 2000) و یا توسعه انسانی و رشد

اشتغال (van Oort et al., 2009) از جمله شاخص‌های عملکرد یک اقتصاد دانش‌بنیان تلقی می‌گردند. با اینکه برخی مطالعات، وظایف نهایی چندگانه برای یک اقتصاد مبتنی بر دانش را مورد بررسی قرار داده‌اند، شکل یکپارچه به کارگیری فرایند اقتصاد مبتنی بر دانش، که منجر به وظایف نهایی در یک اقتصاد مبتنی بر دانش می‌شود، به‌ندرت در ادبیات مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، هنوز بحث در مورد شاخص‌های اشاره‌شده در ادبیات تحقیق وجود دارد. این مباحث کفایت یا عدم کفایت شاخص‌ها را به‌عنوان رهنمودی برای سیاست‌گذاران در زمینه توسعه و به‌کارگیری اقتصاد مبتنی بر دانش مورد بحث قرار می‌دهند (Sharma et al., 2013). برای نمونه، برخی از شاخص‌های پیشنهادشده برای رشد اقتصادی مثلاً دانش تجاری یا GDP هستند درحالی‌که شاخص پیشنهادشده برای رشد اشتغال، سرمایه‌گذاری، دستمزد، درآمد و تراکم کارگر دانشی است (Van Oort et al., 2009). علاوه بر این، برخی شاخص‌های پیشنهادی توسط OECD، مربوط به آمادگی کشور برای توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش، یعنی میزان مصرف سرانه اینترنت، هزینه تحقیق و توسعه، هزینه‌های زیرساخت ICT است (بانک جهانی^۶، ۲۰۱۲؛ مؤسسه بانک جهانی^۷، ۲۰۰۷).

اقتصاد دانش‌بنیان شامل ۱۴۸ متغیر ساختاری و کیفی است که به صورت کلی عملکرد این اقتصاد را نشان می‌دهند. این متغیر در داخل چهار رکن، که چارچوب اقتصاد دانش بنیان را تشکیل می‌دهند، قرار می‌گیرند. رژیم نهادی و محرک اقتصادی، نیروی کار آموزش‌دیده، نظام نوآوری و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات این چهار رکن هستند (Trzcielinski, 2015). بر همین اساس نیز اقتصاد دانش‌محور در تقسیم‌بندی‌های انجام گرفته دارای چهار پایه و رکن می‌باشد که توسعه دانش و استفاده مؤثر از دانش را در بر می‌گیرد.

6. World Bank

7. World Bank Institution

نیروی کار آموزش دیده و متخصص

برای خلق، تحصیل، انتشار و بهره‌مندی از دانش، جمعیت آموزش دیده و متخصص ضروری می‌باشد چرا که افراد آموزش دیده باعث افزایش بهره‌وری عوامل تولید و در نهایت موجب رشد اقتصادی می‌گردند. آموزش می‌تواند به منظور تشخیص آنچه بنگاه‌ها یا اقتصاد برای انجام فرایندهای خود نیاز دارند و همچنین تطبیق فناوری‌های جدید با تقاضاهای داخلی مؤثر باشد که این خود نیز به دلیل استفاده از فناوری‌های متعدد می‌تواند محرکی برای نوآوری و طراحی محصولات جدید مطابق با فرهنگ خاص یک کشور باشد (Chen & Dahlman, 2005). بیشتر مطالعات تجربی انجام گرفته در حوزه رشد و توسعه در کشورهای مختلف بر بازده کارکنان و سرمایه انسانی تمرکز داشته‌اند (Solow, 1957)؛ برای مثال، بارو (Barro, 1991) با استفاده از داده‌های مقاطع ۱۹۸۵-۱۹۶۰ برای ۹۸ کشور جهان، روند رشد نرخ ثبت نام در سطح اول و دوم آموزش را نسبت به سال ۱۹۶۰ به عنوان نماینده سرمایه انسانی اندازه‌گیری و مشاهده نمود رشد ثبت نام در سطح اول و دوم آموزش تأثیرات مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. هانوشک و کیمکو (Hanushek & Kimko, 2000) با نگرشی متفاوت، تمرکز خود را بر کیفیت آموزش قرار داده و با استفاده از امتیاز آزمون‌های بین المللی به عنوان نماینده‌ای برای سیستم‌های آموزشی کشورها، اثر کیفیت آموزش را در رشد اقتصادی اندازه‌گیری نمودند و نشان دادند که کیفیت آموزش اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی دارد.

نظام کارای نوآوری

نظریه‌های اقتصادی بیان می‌کنند که پیشرفت فنی منبع مهمی برای رشد بهره‌وری و یک نظام نوآوری کارا کلید پیشرفت فنی است (Pilat & Lee, 2001; Romer, 1986). یک نظام نوآوری به شبکه‌ای از نهادها، قوانین و رویه‌هایی مورد نیاز کشورها برای تحصیل، خلق، انتشار و استفاده از دانش اشاره دارد. نهادها در نظام نوآوری شامل دانشگاه‌ها، مراکز عمومی و خصوصی پژوهش و منابع سیاست‌گذاری و خط مشی‌گذاری است. آدامز (Adams, 1990) با استفاده از

مقالات منتشر شده در زمینه‌های مختلف علم بین سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۸۰ تأثیر آنها را بر رشد بهره‌وری صنایع تولیدی در ایالات متحده اندازه‌گیری کرد؛ به عبارتی، تأثیر مستقیم انتشار مقالات علمی را بر رشد بهره‌وری مشاهده نمود.

زیرساخت اطلاعاتی و ارتباطی مناسب

فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در یک اقتصاد به در دسترس بودن، قابل اطمینان بودن و اثربخشی رایانه‌ها، تلفن‌ها، تلویزیون‌ها، مجموعه رادیوها و شبکه‌های مختلفی که به آنها متصل می‌باشند بستگی دارد. بانک جهانی ICT را ترکیب سخت افزار، نرم افزار، شبکه و رسانه‌ها جهت دسته بندی کردن، ذخیره کردن، پردازش، ارسال و ارائه اطلاعات در اشکال صدا، داده، متن و تصاویر از طریق تلفن، رادیو، تلویزیون و اینترنت تعریف کرده است (بانک جهانی، ۲۰۰۳). فناوری اطلاعات و ارتباطات ستون فقرات اقتصاد دانش محور می‌باشد و در سال‌های اخیر به عنوان ابزاری مؤثر برای بهبود و رشد اقتصادی و توسعه پایدار شناسایی و در نظر گرفته شده است. ICT مزایای بسیاری دارد که از آن جمله می‌توان به کاهش هزینه‌ها، غلبه بر مرزهای جغرافیایی، افزایش جریان اطلاعات، کاهش عدم اطمینان در معاملات به دلیل دستیابی سریع به اطلاعات و افزایش رقابت‌پذیری اشاره کرد (Oliner & Sichel, 2000).

رژیم نهادی و محرک اقتصادی

آخرین پایه اقتصاد دانش‌بنیان، رژیم نهادی و محرک اقتصادی است. در این اقتصاد باید میزان نوسان‌های قیمت در حداقل و تجارت جهانی آزاد باشد و صنایع داخلی نباید از قوانین حمایتی برخوردار باشد که این امر باعث افزایش رقابت و کارآفرینی در اقتصاد داخلی می‌گردد. همچنین هزینه‌های دولت و بودجه باید کنترل شود و سیستم مالی توانایی تخصیص منابع برای سرمایه‌گذاری‌های سالم را داشته باشد (Chen & Dahlman, 2005). این ایده که کل فرایند خلق و انتشار دانش در اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان خروجی مشوق‌های اقتصادی و رژیم نهادی به سیاست‌های مناسب دولت بستگی دارد، مورد پذیرش اغلب کارشناسان است. بنابراین،

تنظیم چارچوب مناسب رژیم نهادی برای تسهیل ارتباطات متقابل بین بخش‌های مختلف یک اقتصاد دانش‌بنیان لازم و ضروری است (Schilirò, 2010).

اشتغال دانش‌بنیان

در مورد اشتغال تعاریف متعددی ارائه و از دیدگاه‌های مختلف (اجتماعی، سیاسی و مدیریتی) به این موضوع نگاه شده (Sarafi & Abbaspour, 2015)، ولی به نظر می‌رسد در رابطه با اشتغال دانش‌بنیان تعریف روشنی ارائه نشده است. چنان که ذکر شد، نیروی کار آموزش‌دیده و متخصص یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد دانش‌بنیان تلقی می‌گردد. در یک اقتصاد دانش‌بنیان، برای خلق، تحصیل، انتشار و بهره‌مندی از دانش، وجود جمعیت آموزش‌دیده و متخصص ضروری می‌باشد. این عامل، بر اساس نظر رانیکو (Rannikko, 2012)، بر اشتغال دانش‌آموختگان تأثیر دارد. رانیکو بر این باور است برای یک اقتصاد دانش‌محور نیروی کار متخصص و آموزش‌دیده ضروری است. درعین‌حال، اقتصاد دانش‌بنیان باعث ارتقای تخصص و مهارت و رشد و توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورها می‌شود. پیامدهای رشد و توسعه اقتصادی کشورها افزایش اشتغال و جذب افراد در بخش‌های مختلف اقتصادی است که از طریق اقتصاد دانش‌بنیان ایجاد گردیده است. احمد (Ahmad, 2005) اعتقاد دارد که اشتغال دانش‌بنیان حاصل ساختارهای اقتصادی مبتنی بر دانش و از دو جنبه مختلف زیر قابل بررسی است:

۱. توسعه اشتغال از طریق نوآوری در بخش‌های مختلف اقتصادی؛
۲. ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان که خود عامل توسعه اشتغال هم برای نخبگان و هم برای افراد عادی محسوب می‌گردد.

تفسیر سرمایه انسانی، به عنوان عامل اساسی تولید، اقتصاددانان و سیاست‌گذاران کشورهای درحال توسعه را به این باور رسانده است که با سرمایه‌گذاری در آموزش و یادگیری می‌توان به اهداف بلندمدت رشد و توسعه اقتصادی دست یافت. امروزه با ظهور اقتصاد جهانی و تبدیل پی در پی اقتصادهای پیشرفته به «اقتصاد مبتنی بر دانش» (OECD, 1996)، باور به

نقش مهم دانش و یادگیری در رشد و توسعه اقتصادی، بیش از پیش فزونی گرفته است به طوری که از توسعه به عنوان فرایند یادگیری یاد می‌شود (بانک جهانی^۱، ۲۰۰۳). بورگانز و همکاران (Borghans et al., 2009) عقیده دارند توسعه اقتصادی نیازمند یک «نظام آموزش عالی» پویا و هماهنگ با تحولات «نظام اشتغال» است. در اصل، تعامل و هماهنگی بین این دو نظام باید به طور خودکار از طریق بازارهای سرمایه انسانی و خدمات آموزشی به دست آید.

مهارت عملی کاربردی مقوله‌ای است که می‌توان از آن تحت عنوان اشتغال دانش‌بنیان نام برد؛ به عبارتی، دانش، ظرفیتی برای عمل است. دانش، کنش انعکاسی را میسر می‌سازد و تملک دانش، شایستگی برای عمل را افزایش می‌دهد که چنین امری به نوبه خود، دوباره می‌تواند تا حدی از طریق انعکاس، به دانش جدید تفسیر شود. بدین ترتیب، دانش، برعکس کالاها، که مصرف می‌شوند، غنی‌تر می‌گردد. همچنین هر قدر دانش صریح و متمایزتری وجود داشته باشد، دانش ضمنی و مهارت‌های پیشرفته به منظور استفاده در زمینه خاصی مهم‌تر می‌شوند. علاوه بر این، دانش ضمنی به صورت فردی به عنوان تخصص شخصی و یا به طور جمعی در محیط‌های کاربردی نمایان می‌شود (Brödner, 2000). دانش نمی‌تواند مصادره شود (مگر در موارد تشریحی)، اما تنها از طریق همکاری و جامعه‌پذیری می‌تواند مؤثر باشد. اینها پویایی و اصول مؤثر اولیه یادگیری فردی و جمعی هستند. بنابراین، سازمان و کیفیت تعاملات مرتبط و فرایندهای تحول دانش، اساساً تعیین‌کننده عملکرد یادگیری جمعی و ظرفیت نوآوری هستند. مفهوم تقسیم دانش، که به اصول مؤثر اولیه اقتصاد مبتنی بر دانش اشاره می‌کند، می‌تواند در مقایسه با اقتصاد صنعتی مبتنی بر مفهوم تقسیم کار مرتبط و تکمیلی، برای تبیین تفاوت‌های اصلی، استفاده شود.

به طور کلی، جمع‌بندی اولیه در زمینه ایجاد اشتغال در یک اقتصاد دانش‌بنیان نشان می‌دهد که توسعه اشتغال دانش‌بنیان از طریق عمل جمعی و نوآوری انجام می‌گیرد. این عمل جمعی به طور عمده از دو طریق زیر انجام خواهد گرفت:

۱. توسعه زیرساخت‌ها و حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان؛

۲. ایجاد و تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان بر اساس نوآوری برای تسهیم و به اشتراک‌گذاری دانش و کاربردی نمودن آن.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به هدف این پژوهش، یعنی توسعه اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی بر اساس روش آمیخته، پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع توسعه‌ای و از نظر روش با توجه به سؤالات پژوهش، از نوع پژوهش آمیخته کمی و کیفی و از نظر ماهیت، از نوع تحقیقات اکتشافی بود. در بخش کیفی، با توجه به در پی تدوین مدل نظری بودن، بایستی از افرادی استفاده می‌شد که آشنایی کاملی با بحث اشتغال دانش‌بنیان و اشتغال در بخش تعاونی کشاورزی داشته باشند. بر همین اساس، در بخش پژوهش کیفی، جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه خبرگان آشنا به موضوع اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی بود. این خبرگان مدیران و مالکان شرکت‌های دانش‌بنیان و مدیران شرکت‌های تعاونی کشاورزی استان آذربایجان شرقی با ماهیت دانش‌بنیان بودند. در پژوهش‌های کیفی، پژوهشگران به طور نظری به نمونه‌گیری می‌پردازند. این امر بدان معنی است که در این پژوهش‌ها، در مرحله اول یا همانا مصاحبه با خبرگان این حوزه، نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام می‌گیرد (نه احتمالی) و تمرکز بر تدوین نظریه است. به این ترتیب، در تحقیق حاضر، در بخش کیفی از ۱۵ نفر از خبرگان آشنا با بحث اشتغال دانش‌بنیان استفاده شد. در بخش کمی پژوهش نیز جامعه آماری را کلیه اعضای شرکت‌های تعاونی کشاورزی استان آذربایجان شرقی تشکیل دادند و پرسش‌نامه‌های این بخش در اختیار آنان قرار گرفت. حجم

نمونه در بخش کمی بر اساس تعداد متغیرهای آشکار تعیین شد. با توجه به مشخص شدن تعداد متغیرها از طریق بخش کیفی پژوهش و اینکه قرار بود از مدل‌های مسیری- ساختاری در بخش کمی پژوهش استفاده شود و در این مدل‌ها تعیین تعداد نمونه به تعداد متغیرهای آشکار بستگی دارد، لذا به ازای هر متغیر آشکار، تعداد ۱۰ نمونه انتخاب شد. بنابراین، با توجه به بیشترین سؤال پرسش‌نامه، که مربوط به بخش شرایط علی بود، نمونه آماری ۲۵۰ نفر تعیین گردید.

ابزار گردآوری‌ها داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه و در بخش کمی، پرسش‌نامه بود. در بخش کمی تحقیق، با توجه به خروجی‌های بخش مصاحبه، پرسش‌نامه تحقیق از طریق کدهای نهایی‌شده استخراج گردید و در قالب پرسش‌نامه بخش کمی قرار گرفت. برای بررسی روایی پرسش‌نامه از ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده شد. بر اساس این دو شاخص، از مجموع ۹۸ سؤال، ۷ سؤال حذف و بقیه تأیید گردید. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب به تفکیک هر سازه مدل نظری محاسبه گردید. ساختار پرسش‌نامه تحقیق به همراه مقادیر ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب به صورت جدول ۱ تدوین شدند.

جدول ۱. ساختار سؤالات پرسش‌نامه

سازه نظری	سؤالات	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی مرکب
شرایط علی شکل‌گیری اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی	۱ تا ۲۴	۰/۷۸۷	۰/۸۵۶
شرایط مداخله‌گر اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی	۲۵ تا ۴۹	۰/۷۹۳	۰/۸۳۲
بستر و زمینه شکل‌گیری اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی	۵۰ تا ۶۲	۰/۸۰۷	۰/۸۹۱
پیامدهای شکل‌گیری اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی	۶۳ تا ۷۸	۰/۹۰۱	۰/۹۲۳
راهبردهای شکل‌گیری اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی	۷۹ تا ۸۸	۰/۸۹۳	۰/۸۹۱
پدیده‌محوری در بخش تعاونی کشاورزی	۸۹ تا ۹۱	۰/۷۰۷	۰/۷۸۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج و بحث

تحلیل داده‌ها با نظریه داده بنیاد

در نظریه داده بنیاد، فرایند تحلیل داده‌ها با کدگذاری آغاز می‌شود. کدگذاری داده‌ها شامل سه مرحله کدگذاری باز^۹، کدگذاری محوری^{۱۰}، و کدگذاری انتخابی^{۱۱} است. در این پژوهش پس از شناسایی کدهای اولیه و در نظر گرفتن کدهای مشابه، ۶۵ کد مفهومی استخراج و در مرحله بعد، با بررسی این کدها و طبقه‌بندی آنها، ۱۶ مقوله فرعی شناسایی شد. به طور کلی، نتایج دسته‌بندی مفاهیم در مقوله‌های فرعی و اصلی حاصل از کدگذاری محوری و انتخابی به صورت جدول ۲ بوده است.

جدول ۲. مقوله‌های اصلی و فرعی و مفاهیم زیرمجموعه هر کدام

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	ردیف	
شرایط علی اشتغال دانش بنیان در بخش تعاونی کشاورزی	صنایع و شرکت‌های مبتنی بر دانش	توسعه شرکت‌های دانش بنیان در بخش تعاونی کشاورزی	۱	
		توسعه نرم‌افزاری صنایع در بخش کشاورزی	۲	
		ایجاد صنایع هایتک در بخش تعاونی کشاورزی	۳	
	نیروی کار آموزش دیده و متخصص	نیروی کار	توسعه دانش نیروی انسانی در بخش تعاونی کشاورزی	۴
			توسعه مهارت و توانمندی نیروی انسانی	۵
		آموزش دیده و متخصص	آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اعضای تعاونی کشاورزی	۶
			بازنگری در نظام آموزش کشاورزی	۷

11. Open Coding
12. Axial Coding
13. Selective Coding

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	ردیف
شرایط علی اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی	نظام کارای نوآوری	حقوق مالکیت معنوی در بخش تعاونی کشاورزی	۸
		آموزش پژوهش‌محور	۹
		عمومی کردن تحقیق و پژوهش	۱۰
		بازسازی نظام آموزشی و پژوهشی	۱۱
		ارتباط مراکز اجرایی، آموزشی و پژوهشی در بخش کشاورزی	۱۲
		توسعه تحقیق و پژوهش	۱۳
		حمایت از تحقیقات کاربردی در بخش تعاونی کشاورزی	۱۴
شرایط مداخله‌گر شکل‌گیری اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی	توانمندی بازاریابی	بازاریابی شرکت‌های دانش‌بنیان در بخش کشاورزی	۱۵
		فروش محصولات	۱۶
		بازاریابی صادراتی محصولات کشاورزی	۱۷
		برندسازی در تعاونی‌های کشاورزی	۱۸
		هدف‌گذاری فروش در بخش تعاونی کشاورزی	۱۹
	توانمندی تولیدی و فنی	توسعه و نفوذ در بازار	۲۰
		تحقیقات بازاریابی بخش تعاونی کشاورزی	۲۱
		توزیع محصول بخش تعاونی کشاورزی	۲۲
		مهارت‌های تخصصی تولید تعاونی کشاورزی	۲۳
		مهارت تولید محصولات جدید در بخش تعاونی کشاورزی	۲۴
مهارت تولید بر اساس نیاز مشتری	۲۵		
توسعه توانمندی‌های تولیدی بخش تعاونی کشاورزی	۲۶		

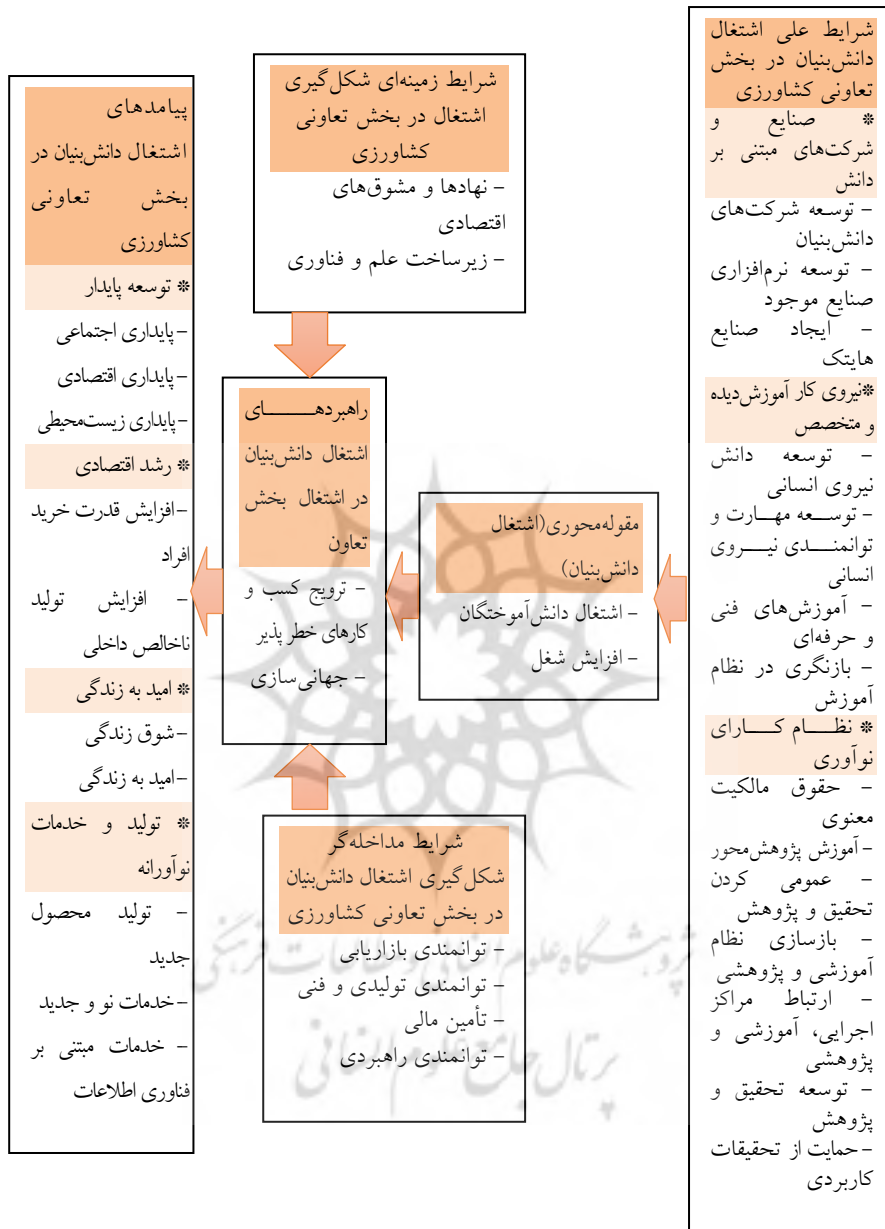
مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	ردیف	
شرایط مداخله‌گر شکل‌گیری اشتغال دانش بنیان در بخش تعاونی کشاورزی	توانمندی تولیدی و فنی	توانمندی سخت‌افزاری بخش تعاونی کشاورزی	۲۷	
		توانمندی نرم‌افزاری بخش تعاونی کشاورزی	۲۸	
	دسترسی به منابع مالی	تأمین مالی بخش تعاونی کشاورزی	۲۹	
		حمایت و کمک‌های مالی دولت به بخش تعاونی کشاورزی	۳۰	
		سرمایه‌گذاری خطرپذیر در بخش تعاونی کشاورزی	۳۱	
		سرمایه‌گذاری مؤسسات بخش تعاونی کشاورزی	۳۲	
		ایجاد کنسرسیوم در بخش تعاونی کشاورزی	۳۳	
	توانمندی راهبردی	حسگری محیطی تعاونی کشاورزی	۳۴	
		ارتباطات محیطی	۳۵	
		برنامه‌ریزی راهبردی در بخش تعاونی کشاورزی	۳۶	
	بستر و زمینه اشتغال دانش بنیان در بخش تعاونی کشاورزی	نهادهای مشوق‌های اقتصادی	شفافیت قانون گذاری	۳۷
			حمایت و کمک‌های تخصصی دولت	۳۸
			اقتصاد دولتی	۳۹
			تشویق صادرات بخش تعاونی کشاورزی	۴۰
رقابت‌پذیر کردن تعاونی‌های کشاورزی			۴۱	
تجدید ساختار بخش عمومی			۴۲	
زیرساخت علم و فناوری		توسعه زیرساخت فناوری اطلاعات در بخش تعاونی‌های کشاورزی	۴۳	
		توسعه زیرساخت ارتباطی	۴۴	
		ایجاد پارک‌های علم و فناوری	۴۵	

ردیف	مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
۴۶	توسعه صنایع زیرساختی در بخش تعاونی کشاورزی	زیرساخت علم و فناوری	بستر و زمینه اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی
۴۷	کیفیت حمل و نقل		
۴۸	پایداری اجتماعی	توسعه پایدار	پیامدهای اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی
۴۹	پایداری اقتصادی		
۵۰	پایداری زیست محیطی		
۵۱	افزایش قدرت خرید افراد	رشد اقتصادی	
۵۲	افزایش تولید ناخالص داخلی		
۵۳	شوق زندگی	امید به زندگی	
۵۴	امید به زندگی		
۵۵	تولید محصول جدید	تولید و خدمات نوآورانه	
۵۶	خدمات نو و جدید		
۵۷	خدمات مبتنی بر فناوری اطلاعات در بخش تعاونی‌های کشاورزی		
۵۸	تأمین هزینه‌های تعاونی‌های کشاورزی خطرپذیر	ترویج کسب‌وکارهای خطرپذیر	راهبردهای اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی
۵۹	تضمین خرید محصولات و خدمات شرکت‌های خطرپذیر		
۶۰	حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در بخش تعاونی‌های کشاورزی	جهانی‌سازی	
۶۱	آزادسازی تعرفه‌ها		
۶۲	ایجاد شرکت‌های فراملیتی		
۶۳	ارتباطات بین‌المللی		
۶۴	اشتغال دانش‌آموختگان	اشتغال دانش‌بنیان	
۶۵	افزایش شغل		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول ۲ و بخش کیفی نشان می‌دهد که مقوله اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاون به عنوان مقوله محوری انتخاب گردیده که خود دارای دو مقوله فرعی ۱. اشتغال دانش‌آموختگان و ۲. افزایش شغل بوده است. اشتغال دانش‌آموختگان و افزایش شغل از مقوله‌های فرعی هستند که انتظار می‌رود با وجود شرایط علی، بستر و زمینه و شرایط مداخله‌گر مناسب دست‌یافتنی باشند. شرایط علی اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاون دارای سه مقوله فرعی به نام‌های ۱. نیروی کار آموزش‌دیده و متخصص (فردی)، ۲. صنایع و شرکت‌های مبتنی بر دانش و ۳. نظام کارای نوآوری بوده است. بستر یا زمینه شکل‌گیری اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاون دارای دو مقوله فرعی ۱. نهادها و مشوق‌های اقتصادی و ۲. زیرساخت علم و فناوری بوده است. شرایط مداخله‌گر شکل‌گیری اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاون چهار مقوله فرعی داشته است: ۱. توانمندی بازاریابی، ۲. توانمندی تولیدی و فنی، ۳. دسترسی به منابع مالی و ۴. توانمندی راهبردی. راهبردهای شکل‌گیری اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاون دارای دو مقوله فرعی به نام‌های ۱. ترویج کسب و کارهای خطرپذیر و ۲. جهانی‌سازی بوده است. پیامدهای شکل‌گیری اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاون چهار مقوله فرعی داشته است: ۱. توسعه پایدار، ۲. تولید و خدمات نوآورانه، ۳. امید به زندگی و ۴. رشد اقتصادی. بر همین اساس، مدل پارادایم برآمده از تحقیق را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱. کد گذاری انتخابی: مدل پارادیم اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی

کشاورزی

نتایج تحلیل عاملی تأییدی

پس از مشخص شدن مفاهیم و دسته‌بندی آنها در مقوله‌های فرعی و اصلی حاصل از کدگذاری محوری و انتخابی، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، هر یک از اجزای مدل پارادایم بررسی شد تا از مناسب بودن هر یک از مقوله‌های اصلی و کدگذاری‌های انجام شده در جامعه مورد مطالعه اطمینان حاصل شود؛ به عبارتی، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، محقق به دنبال بررسی روایی هر یک از مدل‌ها (شرایط علی، بستر و زمینه، مقوله محوری، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) بوده است.

برای بررسی هر یک از اجزای مدل پارادایم، از بارهای عاملی، مقدار آلفای کرونباخ، متوسط واریانس تبیین شده و سطح معنی‌داری آزمون بارتلت استفاده شد. بارهای عاملی بایستی بزرگ‌تر از ۰/۵، مقدار آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۷، پایایی ترکیبی بزرگ‌تر از ۰/۷، مقدار متوسط واریانس تبیین شده بزرگ‌تر از ۰/۵ و سطح معنی‌داری آزمون بارتلت کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی تأییدی

شرایط علی شکل‌گیری اشتغال در بخش تعاونی کشاورزی						
مقوله فرعی	سؤالات	بار عاملی	مقدار آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE	سطح معنی‌داری آزمون بارتلت
نظام کاری نوآوری و ابتداع	۱	۰/۶۶۴	۰/۷۸۷	۰/۸۵۶	۰/۸۷۶	۰/۰۰۰
	۲	۰/۸۲۲				
	۳	۰/۸۵۹				
	۴	۰/۸۱۵				
	۵	۰/۸۵۵				
	۶	۰/۷۶۲				
	۷	۰/۷۴۳				
	۸	۰/۸۴۷				
	۹	۰/۷۸۲				
	۱۰	۰/۷۵۷				
نیروی کار آموزش دیده و متخصص	۱۱	۰/۷۷۰				
	۱۲	۰/۷۹۱				
	۱۳	۰/۶۵۲				
	۱۴	۰/۶۰۲				
	۱۵	۰/۶۴۷				
	۱۶	۰/۷۹۶				
	۱۷	۰/۸۵۱				

				شرایط مداخله گر شکل گیری اشتغال دانش بنیان در بخش تعاونی کشاورزی			
مقوله فرعی	سؤالات	بار عاملی	مقدار آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE	سطح معنی داری آزمون بارتلت	
توانمندی بازاریابی	۱۸	۰/۸۶۳					
	۱۹	۰/۸۲۵					
	۲۰	۰/۸۶۳					
	۲۱	۰/۷۸۱					
	۲۲	۰/۷۴۹					
	توانمندی تولیدی و فنی	۲۳	۰/۷۴۰				
		۲۴	۰/۶۷۱				
		۲۵	۰/۸۰۳				
		۲۶	۰/۷۶۶				
		۲۷	۰/۸۳۲				
۲۸		۰/۸۶۹					
۲۹		۰/۷۴۷					
۳۰		۰/۸۳۷					
۳۱		۰/۶۴۹					
۳۲		۰/۸۷۸					
دسترسی به منابع مالی	۳۳	۰/۸۳۵	۰/۷۹۳	۰/۸۳۲	۰/۷۴۳	۰/۰۰۰	
	۳۴	۰/۷۰۶					
	۳۵	۰/۸۱۱					
	۳۶	۰/۷۹۵					
	۳۷	۰/۸۶۸					
	۳۸	۰/۷۸۸					
	۳۹	۰/۸۷۰					
	۴۰	۰/۸۲۴					
	۴۱	۰/۷۶۱					
	۴۲	۰/۸۵۹					
توانمندی راهبردی	۴۳	۰/۷۳۵					
	۴۴	۰/۸۳۷					
	۴۵	۰/۸۲۸					
	۴۶	۰/۷۵۰					
	۴۷	۰/۸۳۶					
بستر و زمینه اشتغال دانش بنیان در بخش تعاونی کشاورزی							
مقوله فرعی	سؤالات	بار عاملی	مقدار آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE	سطح معنی داری آزمون بارتلت	
نهادهای اقتصادی و مشوقهای اقتصادی	۴۸	۰/۸۶۴	۰/۸۰۷	۰/۸۹۱	۰/۷۸۴	۰/۰۰۰	
	۴۹	۰/۸۱۴					
	۵۰	۰/۸۴۹					
	۵۱	۰/۸۳۰					
	۵۲	۰/۸۸۰					
	۵۳	۰/۸۷۱					
۵۴	۰/۸۶۷						

				۰/۷۳۶	۵۵	زیرساخت علم و فناوری
				۰/۶۹۷	۵۶	
				۰/۸۳۴	۵۷	
				۰/۸۰۷	۵۸	
				۰/۸۸۲	۵۹	
				۰/۸۵۵	۶۰	
پیامدهای اشتغال دانش بنیان در بخش تعاونی کشاورزی						
مقوله فرعی	سؤالات	بار عاملی	مقدار آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE	سطح معنی داری آزمون بارتلت
تولید و نوآوری خدمات	۶۱	۰/۸۴۲	۰/۹۰۱	۰/۹۲۳	۰/۶۹۲	۰/۰۰۰
	۶۲	۰/۸۴۷				
	۶۳	۰/۸۱۹				
	۶۴	۰/۸۲۴				
	۶۵	۰/۸۵۷				
	۶۶	۰/۸۳۴				
توسعه پایدار	۶۷	۰/۸۴۹				
	۶۸	۰/۶۲۷				
	۶۹	۰/۸۸۳				
	۷۰	۰/۷۹۴				
امید به زندگی	۷۱	۰/۸۰۱				
	۷۲	۰/۶۴۷				
رشد اقتصادی	۷۳	۰/۸۶۴				
	۷۴	۰/۸۳۱				
	۷۵	۰/۷۲۷				
	۷۶	۰/۷۲۳				
راهبردهای اشتغال دانش بنیان در بخش تعاونی کشاورزی						
مقوله فرعی	سؤالات	بار عاملی	مقدار آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE	سطح معنی داری آزمون بارتلت
جهانی سازی	۷۷	۰/۸۵۱	۰/۸۹۳	۰/۸۹۱	۰/۶۸۸	۰/۰۰۰
	۷۸	۰/۸۶۳				
	۷۹	۰/۸۲۵				
	۸۰	۰/۸۶۳				
	۸۱	۰/۷۸۱				
	۸۲	۰/۷۴۹				
ترویج کسب و کارهای خطرپذیر	۸۳	۰/۷۴۰				
	۸۴	۰/۶۷۱				
	۸۵	۰/۸۰۳				
	۸۶	۰/۷۶۶				
مقوله محوری اشتغال در بخش تعاونی کشاورزی						
مقوله فرعی	سؤالات	بار عاملی	مقدار آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE	سطح معنی داری آزمون بارتلت
کاهش بیکاری	۸۷	۰/۸۴۳	۰/۷۰۷	۰/۷۸۳	۰/۵۳۴	۰/۰۰۰
	۸۸	۰/۷۳۲				
	۸۹	۰/۹۶۵				

ماخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که مقدار بار عاملی برای هر یک از سنجه‌های تحقیق بزرگ‌تر از ۰/۵ است. بار عاملی نشان دهنده ارتباط بین سنجه‌ها با سازه‌ها می‌باشد. ضریب آلفای کرونیباخ نشان دهنده سازگاری سؤالات می‌باشد که برای هر یک از اجزای مدل بزرگ‌تر از ۰/۷ محاسبه شد. پایایی ترکیبی شاخصی جدیدتر در بررسی سازگاری است که در محاسبه سازگاری، بار عاملی هر یک از سازه‌ها را نشان می‌دهد. مقدار مناسب برای این شاخص نیز بایستی حداقل ۰/۷ باشد که برای مدل‌های تأییدی تحقیق بزرگ‌تر از ۰/۷۰ محاسبه شد. متوسط واریانس تبیین‌شده نشان می‌دهد که هر سازه (مقوله فرعی) بایستی بتواند حداقل ۵۰ درصد تغییرات سؤالات یا سنجه‌های خود را توضیح دهد. مقدار متوسط واریانس تبیین شده برای هر یک از مدل‌های تأییدی بزرگ‌تر از ۰/۵ محاسبه گردید. در نهایت، آزمون بارتلت برای شناسایی ساختار عاملی است که بررسی می‌کند آیا ماتریس عاملی یک ماتریس شناخته شده و واحد هست و یا خیر. اگر مقدار سطح معنی‌داری آزمون بارتلت کمتر از ۰/۰۵ باشد، می‌توان ادعا نمود که ماتریس ساختار عاملی شناخته شده نبوده و می‌توان برای تحلیل عاملی از آن استفاده نمود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، توسعه اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی‌های کشاورزی بررسی شد. پس از گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها در مرحله کدگذاری باز و بررسی ویژگی‌های ارائه‌شده و توجه به ماهیت مقوله‌ها، اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاونی کشاورزی به عنوان مقوله محوری انتخاب گردید که خود دارای دو مقوله فرعی ۱. اشتغال دانش‌آموختگان و ۲. افزایش شغل بود. در اشتغال دانش‌بنیان، اولین قدم توسعه دانش و مهارت‌های نیروی انسانی است که این مقوله می‌تواند شرایط را برای اشتغال در بخش دانشی تعاونی کشاورزی مهیا نماید. به این منظور نیاز است تا در یک نظام نوآوری و ابداع، زمینه اشتغال به‌درستی ایجاد گردد تا در این نظام مبتنی بر نوآوری، صنایع و شرکت‌های دانش‌بنیان بتوانند فعالیت کنند. این مقوله‌ها می‌توانند بر مقوله محوری، که اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاون کشاورزی می‌باشد، اثر بگذارند. از طرفی نیز نهادها و مشوق‌های

اقتصادی و یا به عبارتی رژیم نهادی و اقتصادی در یک کشور می‌تواند بستری برای یک اقتصاد پویا تلقی گردد. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته اولین گام توسعه‌یافتگی خود را در وجود زیرساخت‌های مختلفی می‌دانند که می‌تواند در خدمت علم و نوآوری باشد. اینها یعنی نهادها و مشوق‌های اقتصادی به همراه زیرساخت‌های علم و فناوری می‌توانند بستر مناسبی برای توسعه اشتغال و به‌ویژه اشتغال دانش‌بنیان در بخش تعاون کشاورزی تلقی گردند، چرا که بدون وجود بستر مناسب امکان رشد اشتغال دانش‌بنیان وجود نخواهد داشت. در اشتغال دانش‌بنیان، هر یک از توانمندی‌ها بر این مسئله تأکید دارند که بسیاری از شرکت‌های دانش‌بنیان در همه امور به آن دانش و تخصص مورد نظر نمی‌توانند دست یابند و بسیاری از مؤسسان این شرکت‌ها باید بتوانند توانمندی‌های مختلفی از جمله توانمندی و قابلیت‌های بازاریابی و تولیدی را در خود تقویت کنند؛ به عبارتی، در شرایط مداخله‌گر به این مسئله توجه دارند که برای حرکت به سمت مقوله محوری، عوامل متعددی دخیل هستند که بایستی تقویت و خشتی گردند تا بتوانند راهبردهای مقوله محوری را تسریع نمایند. در اشتغال دانش‌بنیان کلاً هر یک از توانمندی‌ها می‌توانند تسریع کننده یا مانعی برای دستیابی به اشتغال دانش‌بنیان تلقی گردند. راهبردهای اشتغال دانش‌بنیان در این تحقیق شامل ترویج کسب و کارهای خطرپذیر و جهانی‌سازی بوده است. راهبردها کمک می‌کنند تا بتوان سریع‌تر به پدیده مورد نظر، که در اینجا اشتغال دانش‌بنیان می‌باشد، دست یافت. در اشتغال دانش‌بنیان اولین چیزی که به نظر می‌رسد بایستی وجود داشته باشد، کسب و کارهایی هستند که با نوآوری درصدد ارائه محصولات و خدمات جدیدی هستند که تا به حال وجود نداشته‌اند؛ به عبارتی، برای اشتغال دانش‌بنیان اولین قدم، توسعه کسب و کارهای خطرپذیر و کسب و کارهایی هستند که تا به امروز وجود نداشته‌اند. این کسب و کارها می‌توانند ظرفیت جدیدی در اقتصاد ایجاد نمایند و باعث اشتغال تعداد بیشتری از افراد شوند. در مرحله بعدی، این تفکر باید ایجاد شود که بازارها، بازارهای جهانی هستند و محدود بودن به مرزهای داخل کشور، به معنی عوض کردن بازار ۸ میلیاردی با بازاری در نهایت ۸۰ میلیونی و محدود است. در رابطه با پیامدهای

اشتغال دانش‌بنیان می‌توان گفت در جوامعی که اشتغال بر اساس دانش شکل گرفته، در پی دانشی شدن شغل‌ها، توسعه پایدار و رشد اقتصادی نیز به دست آمده است. این رشد اقتصادی و توسعه پایدار رابطه

دوسویه با تولیدات و خدمات نوآورانه داشته که هر کدام از اینها می‌توانند بر شوق زندگی و امید به آینده افراد آن کشور کمک کنند.

منابع

امامی، ا.، حسینی‌نیا، غ. و یعقوبی فرانی، ا. (۱۳۹۷). نقش تعاونی‌ها در تقویت ویژگی‌های کارآفرینانه و توانمندی فرصت‌شناسی زنان روستایی در استان کرمانشاه. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۷(۲۷)، ۲۹-۶۰.

جباری، م.، نجفی، ب. و رهجوی، م. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر ایجاد اشتغال تعاونی‌های بخش کشاورزی در استان فارس، مطالعه موردی تعاونی‌های تولید کشاورزی گاوآران. *فصلنامه تعاون*، ۲۲(۸)، ۱-۱۵.

سواری، م.، درانی، م. و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۹۴). واکاوی نقش تعاونی‌های تولید کشاورزی در دستیابی به توسعه پایدار در بخش کشاورزی. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۴(۱۳)، ۱۱۹-۱۳۸.

شاه‌آبادی، ا. و بشیری منظم، ف. (۱۳۹۰). نقش مؤلفه‌های دانش در رشد ارزش‌افزوده بخش کشاورزی ایران. *روستا و توسعه*، ۱۴(۴)، ۱۰۵-۱۲۵.

شعبان‌پور، غ. (۱۳۸۶). بخش تعاون ایران، اشتغال و کارآفرینی. رویش، ۵(۱۹)، ۱-۸.

شهریاری مقدم، ش.، احمدپور برازجانی، م.، محمدی، ح. و سارانی، و. (۱۳۹۷). شناسایی مخاطرات اثرگذار بر مدیریت شرکت‌های تعاونی کشاورزی در منطقه سیستان. *فصلنامه*

تعاون و کشاورزی، ۷(۲۵)، ۷۵-۹۷.

فدایی، م. و فال سلیمان، م. (۱۳۹۰). نقش شرکتهای تعاونی تولید کشاورزی (روستایی) در ارتقای سطح زندگی و رفاه اعضا، مطالعه موردی شهرستانهای فارس و کوهرنگ. فصلنامه تعاون،

۲۲(۸)، ۷۳-۸۶.

Adams, J.D. (1990). Fundamental stocks of knowledge and productivity growth. *Journal of Political Economy*, 98(4), 673-702.

Ahmad, B.D. (2005), The role of cooperative societies in economic development. *The Nigerian Journal of Administrative Studies*, 3(2), 1-12

Antonacopoulou, E.P. (2000). Employee development through self-development in three retail banks. *Personnel Review*, 29(4), 491-508.

Arpaia, A., & Curci, N. (2010). EU labour market behaviour during the Great Recession, European Economy - Economic Papers 2008 - 2015 405, Directorate General Economic and Financial Affairs (DG ECFIN), European Commission

Asian Development Bank (2014). Innovative Asia: advancing the knowledge-based economy—Highlights of the forthcoming ADB study report.

Barro, R. J. (1991). Economic growth in a cross section of countries. *Journal of Economics*, 106 (2), 407-443.

Borghans, L., Heckman, J. J., Golsteyn, B. H., & Meijers, H. (2009). Gender differences in risk aversion and ambiguity aversion. *Journal of the European Economic Association*, 7 (2-3), 649-658.

- Brödner, P. (2000). *The future of work in a knowledge-based economy*. In ICT/CIREM Int. Seminar on Economy and Work in the Knowledge Society. Barcelona(pp. 24-25).
- Carayannis, E. G., Ferreira, J. J., Jalali, M. S., & Ferreira, F. A. (2018). MCDA in knowledge-based economies: Methodological developments and real world applications. *Technological Forecasting and Social Change*, 131, 1-3.
- Chen, D., & Dahlman, C. (2005). *The knowledge economy, the KAM methodology and World Bank operations*. World Bank.
- Eid, M., & Martínez-Carrasco Pleite, F. (2014). International Year of Cooperatives and the 2020 Vision, Euricse Working Papers 1471, Euricse (European Research Institute on Cooperative and Social Enterprises).
- Elsby, M. W., Hobijn, B., & Sahin, A. (2010). *The labor market in the Great Recession* (No. w15979). National Bureau of Economic Research.
- Etzkowitz, H., & Leydesdorff, L. (2000). The dynamics of innovation: from national systems and “mode 2” to a triple helix of university–industry–government relations. *Research Policy*, 29(2), 109-123.
- Hanushek, E. A., & Kimko, D. D. (2000). Schooling, labor-force quality, and the growth of nations. *American Economic Review*, 90(5), 1184-1208.
- Johansson, D. (2010). The theory of the experimentally organized economy and competence blocs: an introduction. *Journal of Evolutionary Economics*, 20(2), 185-201.

- Leydesdorff, L. (2006). *The knowledge-based economy: modeled, measured, simulated*. Florida: Universal Publishers: Boca Raton.
- OECD (1996). *The knowledge-based economy*. Organisation for economic co operation and development, OEeD, OECD, 2, 1-46.
- Oliner, S. D., & Sichel, D. E. (2000). The resurgence of growth in the late 1990s: is information technology the story?. *Journal of Economic Perspectives*, 14(4), 3-22.
- Pilat, D., & Lee, F. C. (2001). *Productivity Growth in ICT-producing and ICT-using Industries: A Source of GrowthDifferentials in the OECD?*, OECD Science, Technologyand Industry Working Papers, 2001/04, OECD Publishing.
- Rannikko, H. (2012). *Early development of new technology-based firms: a longitudinal analysis on new technology-based firms' development from population level and firm level perspectives*. Helsinki: Edita Prima.
- Romer, P.M. (1986). Increasing returns and long-run growth. *Journal of Political Economy*, 94(5), 1002-1037.
- Sarafi, M., & Abbaspour, A. (2015), identification of employability capabilities graduates of universities based on grounded theory. *Innovation and Entrepreneurship*, 3(7), 33-48.
- Schilirò, D. (2010). *Investing in knowledge: knowledge, human capital and institutions for the long run growth*. MJ Arentsen, W. van Rossum, AE Steenge, Edward Elgar, Cheltenham, 33-50.

- Sharma, R. S., Iqbal, M. I. N. A., & Victoriano, M. M. (2013). On the use of benchmarking and good practices for knowledge management for development. *Knowledge Management Research & Practice*, 11(4), 346-360.
- Smith, S. C., & Rothbaum, J. (2013). Cooperatives in a global economy: key economic issues, recent trends, and potential for development (No. 68). IZA Policy Paper.
- Solow, R.M. (1957). Technical change and the aggregate production function. *The review of Economics and Statistics*, 39(3), 312-320.
- Soriano, F. H., & Mulatero, F. (2010). Knowledge policy in the EU: from the Lisbon strategy to Europe 2020. *Journal of the Knowledge Economy*, 1(4), 289-302.
- Trzcielinski, S. (2015). The influence of knowledge based economy on agility of enterprise. *Procedia Manufacturing*, 3, 6615-6623.
- Van Oort, F.G., Oud, J. H., & Raspe, O. (2009). The urban knowledge economy and employment growth: a spatial structural equation modeling approach. *The Annals of Regional Science*, 43(4), 859.
- World Bank (2003). *Engendering ICT: ensuring gender equality in ICT for Development*. Washington D.C, September.
- World Bank (2012). Knowledge Economy Index (KEI) 2012 Rankings 1 The World Bank's Knowledge Assessment Methodology (KAM: www.worldbank.org/kam) is an online interactive tool that produces the

Knowledge Economy Index (KEI)– an aggregate index representing a country. Knowledge Creation Diffusion Utilization, 1–9.

World Bank Institution (2007). *Building knowledge economies: advanced strategies for development*. World Bank Institution.



Study the Development of Knowledge-based Employment in the Agricultural Cooperative with Grounded Theory

A. Jamshidi¹, S. Aali^{2*}, A. BafandehZendeh³

Received: Apr 21, 2019

Accepted: Jul 14, 2019

Abstract

The purpose of this research is to explore strategies for developing knowledge-based employment in the agricultural cooperative. The present research is applied to the research purpose, applied-development, and in terms of the method of research, it is a qualitative and quantitative mixture. In the first stage, using the Grounded Theory, a conceptual model has been used to explain the strategies for developing knowledge-based employment in the agricultural cooperative. In the qualitative section, experts familiar with the issue of developing knowledge-based knowledge in the Co-operation formed the statistical sample of research. According to the adequacy of sampling and theoretical saturation, 15 people were selected through purposeful sampling and bullet-shot sampling method. To analyze the data, a three stage, open, axial and selective coding process has been used. In the quantitative part of the research, the statistical population of the study included all the members of the agricultural cooperative. The statistical sample of the research was based on the recommendations of the use of confirmatory models of 250 members. In order to collect data, a researcher-made questionnaire was used based on the sub-categories and the concepts derived from the qualitative research stage and based on the paradigm model. A confirmatory factor analysis has been used to analyze the data. The results of a small part of the research show that all validation models have been formulated appropriately.

Keywords: Agricultural Cooperative, Employment of Knowledge Base, Grounded Theory

1. PhD Student, Management Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2. Assistant Professor, Management Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

* Corresponding Author

Samad.aali@iaut.ac.ir

3. Associate Professor, Management Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran